

یورش حکومت اسلامی به پژاک و اهداف نهان و آشکار آن

ناصر ایرانیپور

طبق گزارش رسانه‌های همگانی از چند روز پیش به این سو حکومت اسلامی ایران به پایگاه‌های حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) واقع در خاک کردستان عراق یورش برده و اعلام نموده که تا نابودی پژاک این حملات هوایی و زمینی ادامه خواهند داشت. آماج این حملات همچنین مناطقی از کردستان عراق و قربانیان آن ساکنان بومی و مدنی این دیار می‌باشند. از نظر من اهداف و انگیزه‌های این یورشها واضح تر از آنند که نیاز به گمانه‌زنی داشته باشند:

۱. دو سالی از بزرگترین جنبش اعتراضی مردم ایران می‌گذرد. حکومت اسلامی هنوز از آن کمر راست نکرده است و در پی سوژه‌های جدیدی برای انحراف اذهان توده‌های معترض از خود است. این سوژه امروز پژاک است. حکومت پاسداران نیاز حیاتی به دشمن دارد، نیاز حیاتی به جنگ دارد، به خشونت‌گرایی دارد، به بحران دارد. اساساً این حکومت مشروعیت و دلیل وجودی خود را از جنگ و کشت و کشتار، از سرکوب و بگیر و ببند می‌گیرد، نگران از آن است که در نبود چنین فضایی جنبش مدنی مردم سراسر ایران یقه‌اش را بگیرد و به زیرش بکشد.

۲. می‌دانیم که در یک سال اخیر شکافی در جناح محافظه کار حاکم رژیم که یک قطب آن سپاه پاسداران نظامی گرا و قطب دیگر آن آخوندهای سنت گرا می‌باشد، بوجود آمده است. چنین یورش‌های وزنی نظامی گرایان رژیم را تقویت می‌بخشد و آخوندها را متوجه خطرات واقعی و فرضی که آنان را تهدید می‌کند، می‌نماید.

۳. حکومت از یک جنبش مدنی وسیع در کردستان وحشت دارد، چون می‌داند در آن مطلقاً پایگاهی ندارد و در چنین فضایی خواهد باخت. رژیم دید که در فضای باز، این گفتمان اپوزیسیون بود که به داخل جوانان و رسانه‌های نوشتاری راه یافت. من اکنون نشریه‌ی مستقلی در بعد کل کردستان ایران (ایلام، کرمانشاه، کردستان و بخش کردنشین آذربایجان غربی) نمی‌شناسم که توقیف و یا متوقف نشده باشد. زمانی که آقای دکتر رئیس جمهور هنوز قادر نگشته بود سلطه بلامنازع نظامی‌اش را از جمله بر فضای مطبوعات بگستراند، تقریباً کل موضوعات و سوژه‌های محوری مطبوعات منتشره حول راههای تحقق حقوق ملی، دمکراسی و فدرالیسم بود. طبیعتاً در پرتو چنین فضایی حوزه عمومی و مدنیت و دیسکورس سکولار و حتی لائیک رشد خواهد نمود و این در تعارض ذاتی با حکومت نظامی و خشونت‌گرای اسلامی قرار دارد. چنین یورش‌های مانع از شکلگیری چنین فضایی خواهد شد.

۴. کردستان ایران دیرزمانی است میلیتاریزه شده است. رژیم نیروهای نظامی، اطلاعاتی و رزرو شبه‌نظامی وسیعی را در آن خطه متمرکز نموده است. بخشی از این نیروهای [بومی‌گردد] در گذشته بخاطر عدم وجود شرایط جنگی و به سبب ارتباطشان با توده مردم در ارتباط با ماهیت رژیم گمانه‌هایی پیدا کرده‌اند و از "تبعیض" نالیده‌اند. لذا رژیم هر از چندگاهی آنها را جهت توجیه "اهداف انقلاب اسلامی" به دیدار "رهبر عظیم‌الشأن" و دوره‌های سیاسی - ایدئولوژیک و مراسم دولتی می‌فرستد. اما این کارزارهای رژیم دیگر کارایی پیشین خود را از دست داده‌اند. لذا رژیم برای پیشگیری از عصیان بخشی از این نیروها نیاز به تنش نظامی دارد. گاهی نیز آنها را آماج ترور خود قرار می‌دهد و سوءقصد را به مخالفان خود نسبت می‌دهد، تا این نیروها را بر علیه مردم و نیروهای مردمی کردستان تحریک و رادیکالیزه کند و به ارتکاب جنایت بر علیه مردم سوق دهد.

۵. رژیم اسلامی در گذشته پیوسته از راههای متفاوت در تلاش بوده که تنش موجود بین خود و مردم کردستان را به تنش بین ترک [طرف دولت] و گردد تبدیل نماید. در این ارتباط اعوان و انصار بومی [ترک] خود در منطقه و در حکومت [من جمله مجلس رژیم] را [که در جنایت بر علیه مردم و روشنفکران آذربایجان نیز ید طولانی داشته‌اند] برای تحریک بر علیه جنبش کردستان بخدمت گرفته است. این نقشه تاکنون با هوشیاری مردم آذربایجان و کردستان و احزاب گردی نقش بر آب شده است، مع الوصف یورش تبلیغاتی این عوامل به کردستان و نمادهای آن در سالهای اخیر در لوای یورش به حکومت اقلیم کردستان عراق و پژاک افزایش یافته است.

۶. حکومت کردستان عراق خاری در چشم حکومت اسلامی می‌باشد. وارد آوردن ضربه و فشار بر آن از راههای با و بلاوسطه جزو برنامه‌های حکومت اسلامی ایران بوده است. بخشی از گزارشات اعمال نفوذ در آن خطه انتشار

یافته‌اند که حاکی از واقعیت پیشگفته است. تحمیل یک جنگ داخلی به آن از اهداف اعلام شده رژیم ایران بوده است و هدف بی‌ثبات کردن این خطه و باشکست‌روبروساختن این تجربه را دنبال می‌کند.

۷. ما در منطقه با تدوام جنبش اعتراضی مردم سوریه و اعمال جنایات بزرگ رژیم حاکم بر آن کشور بر علیه مردم مدنی به یاری پرسنلی و معنوی حکومت اسلامی در ایران و قریب‌الوقوع بودن سرنگونی رژیم بشار اسد روبرو هستیم. در چنین حالتی حکومت اسلامی ایران مهمترین هم‌پیمان استراتژیک خود را از دست خواهد داد. این امر بلاشک لطمه‌ای بزرگ به نفوذ فیزیکی و سیاسی آن وارد خواهد آورد و حلقه‌ی محاصره‌ی این حکومت را تنگ‌تر خواهد نمود. این رژیم به میدان کنش دیگری برای پر کردن این خلاء نیاز دارد. فعال‌تر کردن سپاه قدس در کردستان و کل عراق می‌تواند به این هدف یاری رساند.

۸. ما همچنین با اعتلای جنبش سیاسی - مدنی کردستان ترکیه که بزرگترین جریان سیاسی هنوز قانونی آن آشکارا هدف دستیابی به خودمختاری برای آن خطه از ترکیه را اعلام نمود روبرو هستیم، روندی که احتمالاً به کاهش تنش بین جنبش کردی و حکومت آن کشور و دست‌کم به مجار غیرنظامی افتادن کامل معضل مربوطه در آن کشور منجر خواهد شد و این طولانی‌مدت بدون تأثیر بر کردستان ایران نخواهد بود. کاهش کشمکش در ترکیه حول مسأله‌ی کرد و در بُعد درازمدت تشکیل یک حکومت خودمختار کردستان در آن کشور کابوس حکومت اسلامی است. لذا این رژیم در صدد است با این حمله این روند را معکوس و یا کند نماید و ترکیه را هم وارد فاز جدید نظامی کند. اگر دیروز این ترکیه بود که در تلاش بود حکومت اسلامی ایران را به چنین میدانی سوق دهد، امروز این "جمهوری" اسلامی است که نفع بیشتر خود را در شعله‌ور شدن جنگی وسیع در منطقه با مشارکت دولت ترکیه می‌بیند.

۹. در اربیل، پایتخت حکومت اقلیم کردستان عراق، کنسولگری آمریکا گشایش یافت. این امر پیوند سیاسی کردستان و آمریکا را تسهیل نموده و احتمالاً افزایش خواهد بخشید، اقدامی که بدون شک با خشنودی حکومت اسلامی حاکم بر ایران روبرو نخواهد شد.

۱۰. و بلاخره اینکه حکومت اسلامی بطور واقع از سوی احزاب کردستان ایران احساس خطر می‌کند، آنهم خطر بالقوه. رژیم می‌داند که سرنوشتی همانند رژیم صدام در انتظارش است؛ دفاع رژیم از تروریسم بین‌المللی و تلاشهایش برای دستیابی به سلاح اتمی و بلاخره سرکوب داخلی، آن را دیربازود در مقابل جامعه ایران و جامعه بین‌المللی قرار خواهد داد. این تقابل با توجه به سرشت رژیم احتمالاً نظامی خواهد بود. و چنانچه چنین شود احزاب کردستان سهمی نه کم در به‌زیر کشیدن حکومت اسلامی و رهایی مردم ایران از یوغ آن ایفا خواهند کرد. رژیم تجربه عراق را که در آن احزاب کردستان بخشی از کشور را از زیر سلطه صدام خارج ساختند و سپس در بنای یک عراق جدید مشارکت نمودند، پشت سر دارد و می‌داند که چنین سناریویی می‌تواند در ایران فردا نیز روی دهد. لذا تاکنون از انجام هیچ اقدام پیشگیرانه سخیفی برای نابودی این احزاب فروگذاری نکرده است، حتی اگر این اقدام به قیمت آوار شدن و کشتار انسانهای بی‌گناهی در نوار مرزی و زیرپا گذاشتن حریم یک کشور همسایه باشد.

و اما سخن پایانی:

با عنایت به آنچه شرح رفت، یورش غیرقابل توجیه رژیم به مناطق مرزی در خاک کردستان عراق و درگیر شدن با نیروهای رزمی پژاک که بیش از یک سال است تحرک نظامی انجام نداده است، تنها در راستای مقاصد و امیال رژیم است و در تعارض با مصالح امروز و آینده کل مردم ایران قرار دارد. نه حمله به سازمان مجاهدین خلق ایران و برچیدن پایگاههای آن و کشتار فرزندان مجاهد خواست مردم ایران بوده است و نه حمله به حزب حیات آزاد کردستان ایران و کشتار چریکهای فدائی گرد آن می‌تواند در انطباق با منافع و مصالح عمومی مردم ایران و کردستان قرار داشته باشد. لذا وظیفه هر انسان شریف و آزاده - صرف‌نظر از اینکه در مورد پژاک چگونه بیاندیشد - تنها می‌تواند این باشد، این یورش را محکوم نموده و در کنار حزب حیات آزاد کردستان و مردم کردستان عراق باشد.